

■ تحلیل عملکرد شورای اسناد ملی (۱۳۴۹-۱۳۸۱ ش.)

غلامحسین نظامی

## ■ چکیده

هدف: هدف این مقاله، بررسی روند شکل‌گیری شورای اسناد ملی و بررسی عملکرد آماری آن در بازه زمانی ۱۳۴۹ تا ۱۳۸۱ ش. است. روش/ رویکرد پژوهش: روش این پژوهش اسنادی و متکی بر اطلاعات و آمار موجود در اسناد و رویدادهای حاکم بر کشور و سازمان اسناد ملی ایران است.

یافته‌ها و نتایج: تحلیل عملکرد «شورای اسناد ملی» بر مبنای حوادث و رویدادهای حاکم بر کشور و سازمان اسناد ملی ایران و با توجه به مشکلات و موانع موجود در سازمان در برهه‌های مختلف، طبق اسناد و آمار انجام گرفت و در نهایت عملکرد این شورا در جایگاه قانونی خود و در سیر روند کلی حیات خود در سازمان موفق ارزیابی می‌شود.

### کلیدواژه‌ها

شورای اسناد ملی / سازمان اسناد ملی ایران / شورای ارزیابی اسناد / عملکرد آماری

## مطالعات آرشیوی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و دوم، دفتر چهارم، (زمستان ۱۳۹۱)، ۱۲۴-۱۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۴/۲ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۱۳

# تحلیل عملکرد شورای اسناد ملی (۱۳۴۹-۱۳۸۱ ش.)

غلامحسین نظامی<sup>۱</sup>

## مقدمه

برای شناخت حوادث و تحولات تاریخی در عرصه‌های مختلف، به‌جز کتاب و نشریه، اسناد تاریخی جایگاهی بسیار مهم دارند. به‌دلیل پیشرفت همه‌جانبه دستگاه اداری و تنوع آن در چند قرن اخیر، پراکندگی و حجم سوابق اداری، دولت‌ها را به اندیشه‌ای جدی برای چگونگی نگهداری آن واداشت. به‌طوری‌که از چند قرن گذشته، به‌ویژه دولت‌های اروپایی و امریکایی، با درپیش گرفتن شیوه‌های نو دست به تشکیل آرشیو ملی زدند.

در این میان، مسئله مهم این بود که آیا همه یا فقط بخشی از پیشینه‌های اداری را باید نگهداری کرد؟ اگر این حفاظت شامل همه اسناد و مدارک بجا مانده نمی‌شود، پس چگونه باید آنها را تفکیک کرد؟ راه شناخت و عمل در این زمینه چیست؟ به‌نظر می‌رسد که طراحان سازمان اسناد ملی ایران، که سال‌ها بعد از کشورهای پیشرفته دست به این کار زدند، با آگاهی از مشکلات موجود در بدنه دولت و جامعه و نیز تجربه کشورهای پیشرو در این زمینه تا حدی ملاحظات مختلف و سازوکارهای لازم برای موفقیت آرشیو ملی به‌ویژه «شورای ارزشیابی» را در نظر گرفته بودند.

اما نکته اینجاست که شورای ارزشیابی، به‌عنوان هسته مهم و اولیه سازمان اسناد ملی، باید آمال دولت ایران در رهایی از میلیون‌ها پرونده و مدرک را که در پی ده‌ها سال فعالیت ادارات دولتی بجا مانده و فضای زیادی را اشغال و هزینه زیادی را نیز به دولت تحمیل کرده بود - برآورده سازد. شورای ارزشیابی، همچنین، ملزم بود اقدام به تشکیل یک آرشیو

۱. دانشجوی دکتری تاریخ آکادمی  
علوم تاجیکستان  
Gh-nezami@nlai.ir

ملی (برای جمع‌آوری اسناد تاریخی) به شیوه کشورهای پیشرفته نماید. در این نوشتار، ضمن بررسی روند شکل‌گیری شورای اسناد ملی - به‌عنوان تعیین‌کننده سیاست و راهبردهای سازمان اسناد ملی ایران - و بررسی عملکرد آماری آن، به این موضوع می‌پردازیم که هدف مؤسسان آن تحقق یافته است یا نه؟ آیا جایگاه حقوقی - اداری شورا توانسته است به روند پیشرفت آن یاری رساند؟ و ترکیب اعضای تشکیل‌دهنده شورای اسناد ملی، چه تأثیری در موفقیت یا کندی کار آن داشته است؟

### فرآیند گردش اسناد و شورای ارزشیابی

با نگاهی به تاریخچه آرشیو ملی کشورهای پیشگام، درمی‌یابیم که همواره در نگهداری اسناد نوعی غربالگری وجود داشته است. زیرا در چرخه اداری، سوابق مختلفی تولید می‌شود که همه آنها قابلیت نگهداری ندارند. از طرف دیگر، حفظ همه سوابق بجا مانده مستلزم صرف هزینه‌های زیادی است و امری غیرممکن جلوه می‌نماید. بنابراین، در همه تشکیلات آرشیوی همواره یک «شورای آرشیو ملی»<sup>۱</sup> یا «شورای ارزشیابی»<sup>۲</sup> وجود داشته است. زیرا ارزشیابی در واقع فرآیند ارزش‌گذاری، لزوم، یا عدم لزوم نگهداری برخی اسناد و مدارک و تعیین‌کننده سیاست‌ها و راهبردهای حاکم بر مراکز آرشیوی است. این شورا، با تدوین آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها، و صدور مجوزهای لازم، کار رسیدگی به بایگانی ادارات دولتی و سیاست‌های کلی جمع‌آوری اسناد دولتی و غیردولتی را تعیین و تسهیل می‌کند. همچنین، اشکال دسترسی، باید و نبایدهای نگهداری، و استفاده از آنها را مشخص می‌نماید.

در واقع «ارزیابی اسناد کاری است دو جانبه که هم اوراق با ارزش و هم اوراق بی‌ارزش را معلوم می‌کند» (ساکما: گزارش شماره ۴ سیروس پرهام ۱۳۴۴/۳/۳۱). از سوی دیگر، چنان‌که تجربه منطقی آرشیوهای دنیا نشان داده ارزشیابی اسناد، اقدامی دو سویه است که با همکاری آرشیو ملی و ادارات دولتی انجام می‌گیرد. زیرا ادارات دولتی به‌عنوان تولیدکننده، بهترین مرجع برای تشخیص ارزش اولیه (استنادی) یا امحایی بودن مدارک دولتی هستند و همچنین ارزش ثانویه و تحقیقی اسناد برای نگهداری دائمی در آرشیو ملی، به‌عنوان سند تاریخی به تشخیص آرشیویست است. این کار، با تدوین آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، و جدول‌های تنظیمی از سوی شورای ارزشیابی انجام می‌گیرد. با این وصف، باید دید که این امر در سیر تاریخی سازمان اسناد ملی ایران، چگونه صورت پذیرفته است؟

### تلاش برای تأسیس بایگانی منظم و آرشیو ملی

با پایان یافتن کشمکش‌های جنگ قدرت در اواخر دوره زند و استقرار حکومت قاجار،

1. National Archive Council

2. Appraisal Council



دیوانسالاری و دستگاه اداری تقریباً منظمی در ایران مستقر شد که در واقع دنبالهٔ مکتب اداری دورهٔ صفویه بود. اما با توجه به تحولات جهانی، ابعاد جدیدی یافت و در میانهٔ حکومت سلسلهٔ قاجار و به‌ویژه از زمان حکومت ناصرالدین شاه به اوج خود رسید. در اثر گسترش ادارات دولتی، انبوهی از سوابق اداری به‌وجود آمد که نیاز به طبقه‌بندی و استفاده مجدد داشت. این مسئله، باعث توجه به امر بایگانی و نیاز مبرم به آن شد. وزارت خارجه در این امر پیشقدم شد و در سال ۱۲۹۹ قمری، تشکیلات نوینی در پنج بخش اداری جدید در وزارت امور خارجه به‌وجود آورد که یکی از آنها آرشیو بود (فلور، بی تا). به‌قول ممتحن‌الدوله شقاقی، ادارهٔ چهارم وزارت خارجه به نام «ثبت و ضبط اسناد و نوشتجات و اوراق دولتی» مشهور شد (۱۳۷۹، ص ۱۲). تجربهٔ موفق وزارت خارجه به کمک یک هیئت فرانسوی - بلژیکی در سایر وزارتخانه‌ها و در فاصله سال‌های ۱۳۱۹ قمری تا ۱۳۰۹ خورشیدی انجام گرفت ولی منجر به تأسیس آرشیو ملی نگردید و در محدودهٔ تنظیم بایگانی ادارات دولتی باقی ماند.

بعدها در زمان پهلوی اول، هیئت وزیران در جلسه ۱۳۰۹/۱/۳۰، تعیین مکانی برای نگهداری اسناد مهم دولتی شامل قراردادها، امتیازات، قبالات، و خالصجات را - به استثنای عهدنامه‌های سیاسی موجود در کاخ گلستان - که قبلاً وزارت مالیه پیشنهاد کرده بود تصویب کرد. این مسئله توسط وزارت دارایی، مجدداً در تاریخ ۱۳۰۹/۲/۲ مورد بررسی قرار گرفت و اجرایی شد. این اقدام، گام مهمی برای نجات اسناد با ارزش دولتی بود، ولی باز هم به مفهوم آرشیو ملی همانند کشورهای پیشرفته نبود. به دلیل فقدان شرایط مناسب، تا دو دهه بعد اندیشه ایجاد آرشیو ملی مطرح نشد. از سال ۱۳۳۴، به دنبال فروکش کردن التهابات سیاسی بعد از کودتای ۲۸ مرداد، ایجاد یک بایگانی متمرکز دولتی با عناوین مختلفی مانند بایگانی راکد، بایگانی ملی، آرشیو عمومی، و آرشیو ناسیونال مطرح شد و استمرار پیدا کرد؛ زیرا حجم انبوه بایگانی راکد ادارات دولتی از دورهٔ قاجار تا آن زمان، مشکلات زیادی را برای دولت به‌وجود آورده بود. فضای کافی برای نگهداری این سوابق وجود نداشت، هزینه زیادی را بر دولت تحمیل می‌کرد، و بازایی و استفاده مجدد از آنها تقریباً غیرممکن بود. طبق آمار سال ۱۳۴۱، حدود ده میلیون پرونده راکد در ۱۲۷۰ اتاق ادارات، فضایی متجاوز از ۱۲/۰۰۰ متر مربع را اشغال کرده بود که هزینه نگهداری سالانه آنها بیشتر از ۳۸۰۰۰۰/۰۰۰ ریال در سال بود (روزنامهٔ اطلاعات ۱۳۴۹/۱۱/۱۴) در نتیجه، دولت در پی آن بود که هرچه سریع‌تر از این وضع رهایی یابد.

از سوی دیگر، اندیشمندان ایرانی که معمولاً از طریق تحصیل و مسافرت در کشورهای اروپایی و امریکایی با آرشیو ملی و مزایای آن آشنا بودند، همواره دغدغهٔ آن را داشتند که



با نابودی اسناد مهم دولتی، بخشی از تاریخ و گذشته تاریخی ایران نیز در محاق فراموشی فرو رود. همچنین، می‌دانستند که اسناد به‌عنوان شواهدی بی‌واسطه، بهترین تکیه‌گاه برای پژوهش‌های تاریخی، اقتصادی، و اجتماعی هستند که باید به‌طور منظم طبقه‌بندی شوند و همچون کتاب‌های یک کتابخانه قابل دسترسی و استفاده باشند. محسن صبا، ایرج افشار یزدی، و سیروس پرهام از جمله این افراد بودند که در تهیه و تدوین متون اولیه قانون اسناد ملی ایران تلاش زیادی کردند.

همچنین، باید خاطر نشان کرد طبق مواد ۱۱۴ تا ۱۱۶ قانون مجازات عمومی، هیچ‌کس حق امحا و نابودی اسناد و مدارک دولتی را نداشت و قانون در این مورد مجازات سختی را برای خاطیان در نظر گرفته بود (روزنامه/اطلاعات ۱۳۵۱/۷/۲۴). در نتیجه، یافتن راهکارهای مناسب به‌طور رسمی، از طرف دولت، از سال ۱۳۴۳ در شورای عالی اداری شروع شد. دولت، ایجاد یک بایگانی راکد عظیم مرکزی را برای جمع‌آوری کلیه سوابق اداری وزارتخانه‌ها در نظر داشت، ولی اندیشمندان دانشگاهی، تأسیس آرشیو ملی به‌عنوان یک مکان پژوهشی را مد نظر قرار داده بودند. این امر، در متون مختلف سیزده‌گانه پیشنهادی از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۹ انعکاس یافت. سرانجام، با تلاش و اعمال نظر سیروس پرهام، بایگانی راکد و آرشیو ملی در متنی واحد، با عنوان «سازمان اسناد ملی ایران» یکجا گرد آمد و با تصویب نهایی آن در ۱۳۴۹/۲/۱۷ راه برای تأسیس و اجرای این آرزوی دیرینه هموار شد.

سازمان اسناد ملی ایران پس از تأسیس، در چارچوب قوانین موضوعه کشور، با تدوین آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مورد نیاز، باعث تسهیل و حل مشکلات چند دهه‌ای ادارات دولتی در زمینه بایگانی راکد و انتقال اسناد تاریخی به سازمان شد. در واقع، وظیفه اصلی و مهم این بخش بر عهده «شورای اسناد ملی» یا همان شورای ارزشیابی سازمان بود. باید دید که این امر با تشکیل سازمان اسناد ملی ایران چگونه صورت پذیرفت و تلاش‌های این شورا چه مقدار در رسیدن به اهداف کوتاه‌مدت و راهبردی سازمان مؤثر بود؟

### تشکیل شورای اسناد ملی، موفقیت‌ها و مشکلات پیش رو

پس از تأسیس سازمان اسناد ملی ایران (۱۳۴۹/۲/۱۷)، وزیر مشاور و دبیر کل سازمان امور اداری و استخدامی کشور (که سازمان اسناد ملی ایران در واقع زیرمجموعه اداری آن محسوب می‌شد)، طی نامه‌ای به وزیر علوم و آموزش عالی، با استناد به بند ۶ ماده چهارم آن، درخواست نمود که دو نفر از اشخاص متبحر در فرهنگ و تاریخ ایران را برای عضویت در شورای سازمان معرفی کند (ساکما: پرونده تأسیس آرشیو ملی ایران، فایل ۲ نامه شماره ۳۲۱۸۳/د ح مورخ ۱۳۴۹/۹/۲۳). بیست روز بعد، به دلیل عدم دریافت پاسخ از سوی وزیر علوم و



آموزش عالی، نامه دیگری به آن مقام ارسال شد (ساکما: پرونده تأسیس آرشیو ملی ایران، فایل ۲، نامه ۲س/الف مورخ ۱۳۴۹/۱۰/۱۴). بالاخره، ده روز بعد، از سوی وزیر علوم، محمد مقدم (معاون اجرایی وزارت علوم) و مهدی محقق (استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران) معرفی شدند (ساکما، پرونده تأسیس آرشیو ملی ایران، نامه ۳۵۸۱۶ مورخ ۱۳۴۹/۱۰/۲۳). اما این انتخاب، نظر سازمان اسناد ملی را تأمین نکرد. اعتقاد بر این بود که اشخاص معرفی شده باید متخصص در تاریخ دوستان - سیصد سال اخیر ایران باشند، زیرا عمده حجم اسناد کشور مربوط به این دوره بود.

طبق قانون، تشکیل شورای سازمان منوط به حضور دو نفر از اشخاص متبحر در فرهنگ و تاریخ ایران بود. هرچند در ماده قانون تأسیس سازمان، جزئیات تخصص آنها قید نشده بود، نظر سازمان، داشتن تخصص در تاریخ معاصر ایران بود. بنابراین، مکاتبه با وزارت علوم از سر گرفته شد تا اینکه در بهار ۱۳۵۰ پس از گذشت یک سال از تأسیس سازمان، وزارت علوم و آموزش عالی، عباس زریاب‌خویی و مجتبی مینوی را معرفی کرد. در مرحله بعدی، لازم بود عضویت اشخاص معرفی شده در هیئت وزیران به تصویب برسد و آنگاه به سازمان اسناد ملی معرفی شوند. این کار نیز صورت پذیرفت و نتیجه به اطلاع وزارت آموزش عالی رسید (ساکما: پرونده تأسیس آرشیو ملی ایران، فایل ۲، نامه ۱۶۹۲ مورخ ۱۳۵۰/۲/۲۵) و در مطبوعات نیز منعکس شد (کیهان ۱۳۵۰/۲/۲۸ و اطلاعات ۱۳۵۰/۲/۲۹).

در نتیجه اقدامات مذکور، زمینه برای تشکیل شورای اسناد ملی سازمان فراهم شد. تلاشی که دولت و دستگاه‌های دولتی بی‌صبرانه منتظر نتایج آن بودند، تا با تدوین آیین‌نامه و دستورالعمل‌های لازم، به مشکل بزرگ انبوه سوابق متراکم در بایگانی‌های راکد ادارات دولتی که دست و پاگیر، پر هزینه و در عین حال غیر قابل رجوع (به دلیل در هم ریختگی) و در حال فنا و نابودی بود، رسیدگی کند. امری که در واقع از اهداف اصلی و مهم تأسیس سازمان به‌شمار می‌رفت و از یک دهه قبل زمینه‌های ایجاد آن با تدوین متون قانون مقدماتی (که با تغییر و تحولات زیادی همراه بود) پی گرفته شد.

بالاخره، پس از فراهم شدن مقدمات لازم، «نخستین جلسه شورای سازمان اسناد ملی، یک سال پس از تأسیس سازمان، در روز دوشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۵۰» (فیروز، ۱۳۸۶، صص ۱۴۹-۱۴۳) با حضور اعضای مشخص شده در قانون، تشکیل شد. قانون‌گذار در انتخاب اعضای شورا (وزیر امور خارجه، دادستان کل کشور، وزیر فرهنگ و هنر، دادستان دیوان محاسبات، دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور، و دو نفر متبحر در فرهنگ و تاریخ ایران)، دقت به عمل آورده بود که مقامات ارشد اداری، قضایی، مالی، سیاسی، علمی، و پژوهشی در کنار هم قرار گیرند تا بتوانند به هدف مهم تأسیس سازمان (از نظر دولت و استادان صاحب‌نظر

علاقه‌مند به آینده پژوهش و تاریخ و فرهنگ) نایل آیند. یعنی اینکه هم دستگاه‌های دولتی را از نگهداری انبوه سوابق راکد (که تعداد آنها از صدها میلیون برگ متجاوز بود) برهانند و هم بستر مناسبی را برای گردآوری و سازماندهی اسناد ملی برای استفاده پژوهشگران در عرصه فرهنگ، تاریخ، اقتصاد، سیاست، و مسائل اجتماعی ایران در آینده فراهم کند.

طبق ماده هفتم قانون تأسیس سازمان، نخستین اقدام شورای سازمان، بحث و بررسی درباره «آیین‌نامه ارزشیابی و امحاء اوراق زائد و ترتیب امحاء آنها» بود که پیش‌تر توسط رئیس سازمان اسناد ملی تدوین و اصلاح و برای اظهار نظر نهایی به دفتر حقوقی سازمان امور اداری و استخدامی کشور ارجاع شده بود (معاونت اسناد، ۱۳۷۶، ص ۶). آیین‌نامه مذکور، پس از طرح در جلسات شورای سازمان، سرانجام در جلسه ۱۳۵۰/۴/۷ شورا تصویب شد و برای تصویب در مجلس شورا و سنا برای نخست‌وزیر ارسال گردید (معاونت اسناد، ۱۳۷۶، ص ۷). نخست‌وزیر، آن را در تاریخ ۱۳۵۰/۷/۵، در کمیسیون «رسیدگی به طرح لوایح قانونی و تصویب‌نامه» مطرح کرد (معاونت اسناد، ۱۳۷۶، ص ۱۴) و پس از تصویب در تاریخ ۱۳۵۰/۹/۱۵، آن را به مجلس شورای ملی ارجاع نمود (معاونت اسناد، ۱۳۷۶، ص ۱۴). در نتیجه، به دستور رئیس مجلس در کمیسیون‌های فرهنگ و هنر، دارایی، علوم و آموزش عالی، دادگستری، و سازمان امور اداری و استخدامی، مطرح و با اندکی تغییر در اواخر همان سال و ابتدای سال بعد به تصویب رسید. در ادامه، برای تصویب نهایی به مجلس سنا ارسال و مقرر شد در جلسه کمیسیون دارایی آن مجلس در روز دوشنبه ۱۳۵۰/۱۲/۱۶ مطرح شود. سرانجام، پس از تصویب در مجلس سنا، در سال ۱۳۵۱، توسط رئیس مجلس شورای ملی به نخست‌وزیری ابلاغ شد (معاونت اسناد، ۱۳۷۶، ص ۱۴). بیست روز بعد، این موضوع از طریق مدیر کل دفتر وزیر مشاور و دبیر کل سازمان امور اداری و استخدامی کشور به سازمان اسناد ملی ایران ارجاع شد (معاونت اسناد، ۱۳۷۶، ص ۱۴)، تا زمینه مهم‌ترین هدف سازمان عملی گردد.

همان‌گونه که ملاحظه شد از زمان شروع بررسی «آیین‌نامه تشخیص اوراق زائد و ترتیب امحاء» در شورای سازمان تا تصویب در مجلسین، یک سال به طول انجامید. با احتساب انتظار برای معرفی افراد متبحر در فرهنگ و تاریخ ایران برای تشکیل شورای اسناد، در مجموع دو سال بعد از اعلام رسمی تأسیس سازمان اسناد ملی ایران، تصویب این آیین‌نامه، که در واقع مبنای کار قانونی سازمان بود، طول کشید. به‌طور قطع، به‌درازا کشیدن این امر از نظر زمانی برای حل مشکلات دولت در رسیدگی به بایگانی راکد ادارات دولتی و انتقال اسناد تاریخی و توسعه کلی سازمان، مانعی بزرگ به‌شمار می‌آمد که متأسفانه برخلاف میل رؤسای سازمان، این مسئله همواره تکرار می‌شد و دلیل آن بوروکراسی اداری و تا اندازهای عدم توجه

دولت به وظایف سازمان اسناد ملی بود. به هر روی، این آیین نامه شامل پنج ماده و سه تبصره بود که تمامی وزارتخانه‌ها و مؤسسه‌ها و شرکت‌های دولتی را موظف می‌ساخت براساس دستورالعمل‌های صادره از سوی سازمان اسناد ملی (براساس آیین نامه مذکور و تصمیمات شورای اسناد سازمان) با همکاری آن سازمان و نظر شورا، اوراق موجود در بایگانی راكد خود را طبق جدول‌های زمانی مشخص - به روشی که شورا تعیین می‌کند - امحا و اسناد ارزشمند را (طبق قوانین سازمان اسناد ملی) برای انتقال به آرشیو سازمان اسناد ملی آماده کنند.

نخستین دستورالعمل سازمان، برای تشخیص اوراق زائد و ترتیب امحای آنها، کمتر از یک ماه بعد از ابلاغ نهایی آیین نامه، آماده شد و خلاصه آن در مطبوعات درج گردید (کیهان، ۱۳۵۱/۱۲/۲۸). در همان هنگام که آیین نامه تشخیص اوراق زائد به مجلس ارجاع شد، رئیس سازمان اسناد ملی در نامه‌ای به وزیر مشاور و رئیس سازمان امور اداری و استخدامی کشور، پیشنهاد ایجاد «مدیریت امور اسناد» در دستگاه‌های دولتی برای تنظیم و انسجام امور مربوط به بایگانی راكد و تشخیص و امحا یا انتقال اوراق راكد را - که زیر نظر معاون اداری وزارتخانه‌ها یا رئیس مؤسسه دولتی قرار می‌گرفت - ارائه کرد. در مرحله بعد، وظایف مدیر امور اسناد نیز به‌طور جزئی و مشخص از سوی رئیس سازمان به نگارش درآمد که در پایان آن با توجه به برآوردهای سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۴۶ تعداد پست‌های مورد نیاز هر وزارتخانه و مؤسسه دولتی در مدیریت اسناد، مشخص و با توجه به پست‌های کارشناسی و رشته‌های تحصیلی مرتبط، به‌طور جزئی مشخص گردید. حتی نیاز به آموزش‌های لازم نیز در آن پیش‌بینی شد (معاونت اسناد، ۱۳۷۶، صص ۲۰-۳۲). در صورت تأیید این پیشنهاد و تبدیل آن به صورت بخشنامه اداری، راه برای مأموریت مهم سازمان و شورای اسناد ملی باز می‌شد.

از سال ۱۳۵۱، دستورالعمل‌ها و فرم‌های تنظیمی از طرف سازمان و نظرات شورا آماده شد و برای اجرای عملی ماده اول قانون سازمان اسناد ملی و «آیین نامه تشخیص اوراق زائد و ترتیب امحاء آنها» مصوب همان سال، به دستگاه‌های دولتی ارسال شد. در نتیجه، کار امحا و انتقال اسناد و اوراق دولتی، رسماً از سوی سازمان شروع شد. بدیهی است که بررسی و تصویب آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌ها، طبق ماده پنجم قانون سازمان برعهده شورای سازمان بود که لازم بود طی بحث و گفت‌وگو در جلسات خود تصویب نماید.

طبق تبصره سوم ماده چهارم قانون تأسیس سازمان، برای چگونگی برگزاری جلسات شورا، ترتیب انتخاب رئیس، و نحوه تصمیمات باید آیین‌نامه‌ای تدوین و به تصویب شورا برسد. بنا براین، آیین نامه در هفت ماده تدوین و به تصویب شورا رسید. طبق این آیین نامه، جلسات ماهانه شورا با دعوت کتبی، در محل سازمان اسناد ملی و با حضور حداقل پنج عضو (از هفت عضو) تشکیل می‌شد. رئیس شورا، با رأی اکثریت انتخاب می‌شد و در غیاب وی،



شورا می‌توانست شخصی را برای این کار انتخاب کند. به‌جز جلسات ماهانه، در صورت ضرورت، جلسات فوق‌العاده نیز می‌توانست در برنامه شورا قرار گیرد و تصمیمات شورا با اکثریت آرا اتخاذ می‌شد. رئیس سازمان اسناد ملی، دبیر شورا بود و در جلسات شرکت می‌کرد، ولی حق رأی نداشت (معاونت اسناد، ۱۳۷۶، ص ۳۶). به‌هر صورت، جلسات شورای اسناد به‌طور منظم تشکیل می‌شد و با صدور ردیف و مجوزهای امحا برای دستگاه‌های دولتی، راه امحای اوراق زائد و سبک کردن بار بایگانی‌ها و انتقال اسناد ارزشمند تاریخی به سازمان را هموار می‌کرد. آمارها حکایت از موفقیت شورای اسناد ملی سازمان در رسیدن به اهداف کلان خود یعنی امحا و انتقال بایگانی راکد ادارات دولتی داشت. گزارش سال ۱۳۵۲ درباره حجم و نوع مدارک امحا شده چنین است: «۸۱۱/۱۴۹ برگ سند، ۷/۶۷۴/۷۱۵ پرونده (هریک به‌طور متوسط یکصد برگ)، ۲۷۵۹ کلاسور (هریک محتوی هشتصد تا هزار برگ)، ۵۱/۴۵۲ کارتن، ۹۱/۵۶۰ پوشه، ۶۱۴ بسته، ۱۳۸۵ گونی (هریک محتوی پانزده تا شانزده هزار برگ)، ۹۹/۹۳۸ دفتر و نزدیک به یکصد هزار کاتولوگ و بروشور، فیلم، و شیشه عکاسی (ساکما: گزارش سال ۱۳۵۲). در عین حال، ده‌ها هزار سند با ارزش تاریخی از ادارات دولتی تهران و استان‌های فارس، خراسان، و بوشهر به سازمان اسناد ملی ایران منتقل شد. در کنار آن، اسناد شخصی نیز به شکل اهدایی اشخاص و خاندان‌های مهم و برخی نیز خریداری و به آرشیو ملی اضافه شد. در سال ۱۳۵۲، حدود یک سوم حجم بایگانی ادارات ارزشیابی شد. این روند، در سال ۱۳۵۳ نیز ادامه پیدا کرد، به‌طوری‌که تا چهار پنجم حجم بایگانی ادارات دولتی مورد رسیدگی قرار گرفت که تخمین زده می‌شد فضایی بالغ بر ۱۴/۵۰۰ متر مربع را اشغال کرده بود (ساکما: گزارش سال ۱۳۵۳).

آمار ذکر شده به‌خوبی گویای شروع خوب سازمان در رسیدن به اهداف خود بود. شایان ذکر است که به‌رغم وقفه طولانی در تشکیل شورای اسناد ملی، این شورا توانست با ترکیب متنوع خود از مقامات قضایی، اداری، و سیاسی به‌خوبی از عهده وظایفش برآید و سازمان از این حیث موفق عمل کرد.

پس از اتمام دوره سه‌ساله عباس زریاب‌خویی و مجتبی مینوی به‌عنوان اعضای متبصر در فرهنگ و تاریخ ایران، مطابق بند ۶ ماده چهارم مربوط به «شورای اسناد» از قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران، هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۵۳/۳/۱۸، عضویت آنان را در شورا برای سه سال دیگر تمدید کرد (پرونده تأسیس آرشیوملی ایران، نامه ۳۴۹۰ مورخ ۱۳۵۳/۳/۱۹) و توسط وزارت علوم و آموزش عالی به سازمان اسناد ملی ابلاغ شد (پرونده تأسیس آرشیوملی ایران، نامه ۶۱/۱۴۸۲ مورخ ۱۳۵۳/۳/۲۶).

سازمان اسناد ملی، علاوه بر اینکه جدول‌های زمانی و ردیف‌های مجوز امحای اوراق



زائد و دستورالعمل‌های مربوط را به دستگاه‌های دولتی نظیر وزارتخانه‌ها و مؤسسه‌های دولتی در مرکز ارسال می‌کرد، برای استانداری‌های کشور نیز به شکل موردی و یا بنا به درخواست آنها، نسبت به ارسال جدول‌های مذکور اقدام می‌کرد. نمونه آن، ارسال جدول زمانی عمومی شماره ۱ مصوب جلسه ۱۳۵۲/۹/۲۷ و جدول شماره ۲ و ۳ و ۴ مربوط به سال ۱۳۵۵ به استانداری فارس است (ساکما: ۳۵۰۰۰۲۶۶۰). روند رسیدگی به بایگانی‌های ادارات تا سال ۱۳۵۵ بی‌وقفه ادامه پیدا کرد و شورای ارزشیابی، تجربه خوبی از کار خود اندوخته بود. دولت، به نتایج مثبت تأسیس سازمان اسناد ملی و قوف پیدا کرد. از طرفی، انعکاس منظم کارکرد سازمان در مطبوعات کشوری در این سال‌ها، باعث جلب توجه مردم به وظایف و کارکردهای سازمان شد.

سال ۱۳۵۶ پایان دوره تمدید شده دو عضو متبخر در تاریخ و فرهنگ ایران از سوی وزارت علوم و آموزش عالی بود. بنابراین، با تقاضای سازمان از آن وزارتخانه، ایرج افشار، آشنا به مسائل آرشیوی و از طراحان متون اولیه لایحه بایگانی راکد کشور و رئیس کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، و خان‌بابا بیانی، مشاور وزیر امور خارجه، برای تأیید عضویت به هیئت وزیران معرفی شدند (ساکما: پرونده تأسیس آرشیو ملی ایران، فایل ۲، نامه ۱۸۸۳۷، مورخ ۱۳۵۶/۷/۲۶).

اشخاص معرفی شده، در جلسه ۱۳۵۶/۹/۲۰ هیئت دولت تأیید شدند (ساکما: پرونده تأسیس آرشیو ملی ایران، تصویب‌نامه ۹۲۵۲۴ مورخ ۱۳۵۶/۹/۲۰) و به سازمان اسناد ملی ایران ابلاغ شد. رئیس سازمان نیز برای نفرات انتخاب شده، آیین‌نامه تشخیص اوراق زائد و ترتیب امحای آنها، آیین‌نامه طرز تشکیل جلسات شورا و دستورالعمل‌های پنجگانه سازمان را جهت آشنایی با شیوه کار شورای اسناد سازمان ارسال کرد (ساکما: پرونده تأسیس آرشیو ملی ایران، نامه‌های ۵۴۷۸ و ۵۱۶۸ مورخ ۱۳۵۶/۹/۲۰). شورای سازمان تا سال ۱۳۵۷ که با پیروزی انقلاب مردم ایران همراه بود، با تشکیل ۲۸ جلسه و تدوین آیین‌نامه و دستورالعمل‌های امحا و انتقال اسناد بایگانی راکد ادارات، به رسالت خود (طبق متن قانون سازمان اسناد ملی) عمل کرد.

بی‌شک، اقدامات شورای اسناد و بخش ارزشیابی نتایج جالب توجهی را به دنبال داشت. آمار پنج‌ساله شورای اسناد ملی (۱۳۵۲-۱۳۵۷) حکایت از تلاشی چشمگیر در تحقق اهداف عالی سازمان و بنیان‌گذاران آن دارد. گزارش سال ۱۳۵۲ سازمان چنین است: «با همکاری ۱۳ وزارتخانه و ۲۵ مؤسسه دولتی حدود ۲۸۷۰۰۰ متر کرباسی (طول) از حدود یکصد هزار متر کرباسی، اوراق زائد موجود در بایگانی راکد ادارات در تهران به کارخانه‌های مقواسازی ارجاع و معدوم شده و در واقع به کالای مفید دیگر تبدیل شده است. حجم بایگانی‌های راکد تهران در اواسط سال ۱۳۵۲، یکصد و سی هزار متر کرباسی (متر طول) بوده است که تا پایان

سال جاری (۱۳۵۳) ۶ تا ۸ درصد افزایش یافت، از این مقدار یکصد هزار متر کرباسی آن قابل امحا و مابقی قابل نگهداری است. این اوراق، فضایی بالغ بر ۱۴/۵۰۰ متر مربع را اشغال کرده بود. همچنین، هزینه نگهداری سالانه هر متر کرباسی اوراق دولتی ۲۳۵ ریال است که با تدابیر سازمان اسناد ملی ایران در انهدام اوراق زاید، به ۵۸ ریال در سال رسیده است و نیز تعداد فضاهای اداری درگیر بایگانی راکد، سه چهارم تا چهار پنجم کاهش یافت که در این رابطه صرفه‌جویی قابل ملاحظه‌ای صورت گرفته است. در نتیجه اقدامات چند ساله سازمان در امحای اوراق زائد، ۳۰۰ اتاق در مؤسسه‌های دولتی خالی شد که در آینده‌ای نزدیک با این روند به ۱۰۰۰ اتاق می‌رسد. در نتیجه بیست هزار متر مربع به فضای اداری کشور افزوده خواهد شد و در هزینه‌های فضاهای استیجاری برای بایگانی راکد ادارات نیز کلی صرفه‌جویی می‌شود» (ساکما: برنامه سال ۱۳۵۳).

در مجموع، نتیجه اقدامات پنج ساله سازمان، جالب توجه و تا حد زیادی موفقیت‌آمیز بود. در این مدت «تقریباً ۶۵۰ اتاق ۱۲ متری از وجود این پرونده‌ها و سندهای بی‌مصرف پاک شد. اگر در هر اتاق یک میلیون برگ، کاغذ جا گرفته باشد، جمعاً ۶۵۰ میلیون برگ کاغذ غیر لازم و بی ارزش از بین برده شد ... اگر قرار بود با این ۶۵۰ میلیون برگ کاغذ، سطح جاده‌ای را بپوشانیم می‌توانستیم یک جاده ۱۰ متری (عرض) را تا ۱۶۰۰ کیلومتر کاغذ پوش کنیم». از سوی دیگر، پنجاه و یک هزار سند از اشخاص خریداری شد (روزنامه کیهان، ۱۳۵۶/۲/۲۶). اقدام دیگری که توسط شورای اسناد سازمان ملی صورت گرفت، کاهش مدت نگهداری اسناد مالی و حسابداری ادارات تا ده یا مواردی پانزده سال بود که می‌توانست ۲ درصد تا ۲۵ درصد از حجم بایگانی‌ها را بکاهد و بطور تخمین ۷۵۰ اتاق بایگانی تخلیه می‌شد» (روزنامه آیندگان، ۱۳۵۵/۱۱/۲۰).

اقدامات انجام گرفته حکایت از فعالیت مستمر و قانونی شورای اسناد ملی دارد. این شورا در جلسات متعدد، طبق قوانین موضوعه کشور و جایگاه حقوقی افراد شرکت‌کننده با تدوین آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، و صدور مجوز، سازمان اسناد ملی را در مأموریت مهم خود در امحا و انتقال اسناد و مدارک دولتی و نیز جمع‌آوری و خرید اسناد شخصی یاری رساند.

### اقدامات شورا بعد از انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی (۱۳۵۷-۱۳۶۷)

پس از پیروزی انقلاب تا نیمه سال بعد (۱۳۵۸)، کشور دستخوش تحولات و تغییرات مربوط به سرنگونی رژیم پیشین و جایگزینی حکومت جدید و حوادث بعد از آن بود. طبیعی است که در چنین شرایطی که مسائل مهمی نظیر تغییر و تحولات در سطوح بالای



حکومتی مطرح است، نمی‌توان انتظار داشت که در سطح سازمان‌ها (پائین‌تر از وزارتخانه‌ها) فعالیت‌های عادی از سر گرفته شود؛ به‌ویژه اینکه اعضای قبلی شورا به دلیل وابستگی به رژیم گذشته نمی‌توانستند در جلسات شورا شرکت کنند و از نظر حکومت جدید و جاهت قانونی نداشتند. در نیمه دوم سال ۱۳۵۸، فعالیت سازمان اسناد ملی ایران با ریاست سیروس پرهام (نخستین رئیس آن) از سر گرفته شد.

از طرف وزیر، مشاور و سرپرست سازمان امور اداری و استخدامی کشور نسبت به ابقا یا تغییر دو نفر از اعضای متبحر در تاریخ و فرهنگ ایران (موضوع بند ۶ ماده چهارم قانون تأسیس سازمان) از وزارت فرهنگ و آموزش عالی استعلام شد (ساکما: پرونده تأسیس آرشیوملی ایران، نامه ۱۲۳۶ مورخ ۱۳۵۸/۷/۱). این موضوع، توسط دبیر کل آن سازمان دنبال شد. پس از چهار ماه و نیم پیگیری، بالاخره پرویز ورجاوند و محمد جعفر محجوب جهت عضویت در شورای اسناد سازمان، توسط وزارت فرهنگ و آموزش عالی معرفی شدند (ساکما: پرونده تأسیس آرشیوملی ایران، نامه شماره ۳۰۷۶/۳۳ مورخ ۱۳۵۸/۱۱/۱۶). دعوتنامه‌هایی به وزیر امور خارجه و دادستان کل کشور برای تشکیل جلسه ارسال شد. نخستین جلسه شورای اسناد ملی، بعد از انقلاب، در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۲ یعنی با گذشت نزدیک به یک سال و نیم از وقوع انقلاب تشکیل شد (فیروز، ۱۳۸۶، صص ۱۴۳-۱۴۹).

در حالی که امور جاری سازمان دوباره روال طبیعی و پیشین خود را طی می‌کرد، در بهمن ۱۳۵۹، همزمان با سی و دومین جلسه شورای اسناد، سیروس پرهام تقاضای بازنشستگی کرد و از منصب خود کناره‌رفت و معاون سازمان به‌طور موقت به جای وی انجام وظیفه نمود (ساکما: پرونده تأسیس آرشیوملی ایران، نامه ۵۷۸۶ مورخ ۱۳۵۸/۱۱/۱۹). در تیر ۱۳۶۰، سی و سومین جلسه شورا در مورد رسیدگی و تصمیم‌گیری برای فهرست‌های اوراق زائد، وزارت کار و امور اجتماعی، شرکت مخابرات ایران، راه آهن دولتی، وزارت کشاورزی و عمران روستایی، و شهربانی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شد. ولی بعد از این جلسات، به دلیل عدم حضور منظم اعضا و مکاتبات مختلف سازمان اسناد ملی برای جایگزینی و عدم موفقیت در این مورد، جلسه بعدی شورای سازمان هشت ماه به تعویق افتاد (ساکما: پرونده تأسیس آرشیوملی ایران، فایل ۲ مکاتبات مرداد تا بهمن ۱۳۶۰).

در دی ۱۳۶۰، عباس نورصالحی به ریاست سازمان رسید و به‌عنوان دبیر شورای اسناد ملی انجام وظیفه نمود. مکاتبات متعدد سازمان امور اداری و استخدامی با وزارت آموزش عالی برای معرفی دو نفر از استادان متبحر در فرهنگ و تاریخ ایران، پس از نزدیک هشت ماه به نتیجه رسید و هیئت وزیران در تاریخ ۱۳۶۰/۱۲/۱۵ علینقی (کمال) خرازی و مهدی حجت‌را به‌عنوان اعضای متبحر در فرهنگ و تاریخ ایران، به مدت سه سال در شورای سازمان

اسناد ملی، انتخاب و معرفی کرد (ساکما: پرونده تأسیس آرشیو ملی ایران، تصویب‌نامه وزیران، ۱۲۸۸۷۲ مورخ ۱۳۶۰/۱۲/۱۵). سرانجام، سی و چهارمین جلسه شورا در ۱۶ اسفند ۱۳۶۰ تشکیل شد (فیروز، ۱۳۸۶، صص ۱۴۳-۱۵۰). به‌طور قطع، یکی از مشکلات شورای اسناد ملی، عدم معرفی به موقع اعضای متبحر در فرهنگ و تاریخ ایران از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی بود که در طول حیات سازمان همواره برای تشکیل جلسات منظم آن، مشکل‌آفرین بود. هرچند که اصل وجودی آن برای اعتبار شورا و آینده آرشیو اسناد ملی و تاریخ ایران، اهمیت بسیاری داشت.

جلسات شورای اسناد، طبق آیین‌نامه، باید ماهانه تشکیل شود؛ ولی در این زمان به‌دلیل تعویق هشت ماهه‌ای که پیش‌تر ذکر شد، در اسفند ۱۳۶۰ در دو نوبت برگزار شد (فیروز، ۱۳۸۶، صص ۱۴۳-۱۵۰). همچنین، در اردیبهشت ۱۳۶۱، جلسات سی‌وششم و سی‌وهفتم، هر دو در این ماه برگزار شد، امری که شورا بنا به ضرورت می‌توانست به آن مبادرت ورزد. جلسات شورا، در دوم و پانزدهم تیر همین سال نیز برگزار شد (کیهان، ۱۳۶۱/۴/۲ و ۱۳۶۱/۴/۱۵)، تا به تدوین پیش‌نویس آیین‌نامه‌ای جدید درباره تنظیم و نگهداری اسناد و خدمات آرشیوی بپردازد. این جلسات، منجر به تدوین «آیین‌نامه نحوه دسترسی به اسناد آرشیوی سازمان اسناد ملی ایران» در چهارده ماده و هشت تبصره در پنجاه و هفتمین جلسه شورا در ۱۳۶۲/۴/۲۹ شد. آیین‌نامه مذکور، نحوه دسترسی مراجعان از نظر سطح محرمانه بودن، گذشت زمان قانونی از اسناد (چهل سال)، تمدید آن به هشتاد سال با نظر رئیس سازمان و شورای اسناد، و نیز نحوه دسترسی اتباع بیگانه به اسناد آرشیوی سازمان را مشخص می‌کرد (معاونت اسناد، ۱۳۷۶، صص ۸۰-۸۲).

همزمان با تشکیل شصتمین جلسه شورا در تاریخ ۱۳۶۲/۷/۸، غلامعلی صنعتی، به‌عنوان سومین رئیس سازمان اسناد ملی ایران معرفی شد (کیهان، ۱۳۶۲/۷/۹). این در حالی بود که با وجود ادامه جنگ عراق علیه ایران، فعالیت‌های عادی ادارات دولتی جریان داشت. جالب است که از ابتدای تأسیس سازمان تا سال ۱۳۶۴، بالاترین آمار ارزشیابی و امحا و انتقال اوراق زائد و غیر زائد دستگاه‌های دولتی مربوط به سال ۱۳۵۶ (قبل از انقلاب) و سال ۱۳۶۲ (بعد از انقلاب) است.

با وجود جنگ، روند فعالیت‌های سازمان، از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۵ در اوج خود بود. شورای سازمان، در این سال‌ها فعال عمل کرد و به وظایف خود، که رسیدگی به ردیف‌ها و مجوزهای دستگاه‌های دولتی و تدوین جداول زمانی امحا و انتقال و دستورالعمل‌های اجرایی بود، پرداخت.

در سال ۱۳۶۳، مأموریت کمال خرازی و مهدی حجت (موضوع بند ۶ ماده چهارم



قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران)، به عنوان اعضای متبخر در فرهنگ و تاریخ ایران به اتمام رسید. رئیس سازمان، در این مورد از وزیر علوم کسب تکلیف کرد (۱۳۶۳/۱۱/۱۹). اما چنان که ذکر شد، اقدام وزرات آموزش عالی و تصویب و تأیید هیئت وزیران، در مورد دو نفر عضو، گاهی ماه‌ها به طول می‌انجامید و باعث کندی و یا توقف جلسات شورا می‌شد. در این مورد هم، در جلسه ۱۳۶۴/۲/۶، هیئت دولت (دو ماه بعد از تقاضا) محمود بروجردی را به عنوان عضو جدید معرفی کرد (ساکما: پرونده تأسیس آرشیو ملی ایران، تصویب‌نامه وزیران ۷۸۶۷۸ مورخ ۱۳۶۴/۲/۶) و عضویت سید مهدی حجت برای سه سال دیگر تمدید شد، ولی این اقدام جریان چند ماهه‌ای را طی کرد.

البته، موانعی که در مورد اعضای متبخر در فرهنگ و تاریخ ایران وجود داشت، در مورد دادستانی کل کشور و وزارت آموزش عالی نیز صادق بود. به طوری که، غالب مکاتبات رئیس سازمان (در پرونده شورای سازمان)، درباره شرکت یا عدم شرکت آن اعضا در جلسات شورا است. با این توضیح که طبق قانون، معاونان نیز می‌توانستند به جای آنها در جلسات شورا شرکت کنند.

در ابتدای سال ۱۳۶۴، آیین‌نامه نحوه بررسی و نقل و انتقال اسناد ملی در شش ماده، در هشتاد و هشتمین جلسه شورا، تنظیم و برای اجرا به سازمان اسناد ملی ارجاع شد. این اقدام، دست سازمان اسناد ملی را در ارزشیابی، امحا، و انتقال طبق مواد قانونی باز می‌کرد (معاونت اسناد، ۱۳۷۶، صص ۹۱-۹۲). به دنبال آن، در نودمین جلسه شورا در تاریخ ۱۳۶۴/۵/۹، آیین‌نامه نحوه بررسی و نقل و انتقال پرونده‌های راکد نیز در شورا به تصویب رسید، که براساس بند ب از ذیل ماده پنجم قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران صورت گرفت (معاونت اسناد، ۱۳۷۶، صص ۹۳-۹۴). آیین‌نامه‌های یادشده در تسریع کار و وظیفه قانونی و اصلی سازمان، یعنی رسیدگی به بایگانی راکد ادارات و امحای اوراق زائد و یا انتقال اسناد مهم تاریخی به آرشیو سازمان اسناد ملی بسیار مؤثر بود.

از سوی دیگر، به پیشنهاد سازمان، نخست‌وزیری در بخشنامه مهم خود در تاریخ ۱۳۶۳/۸/۲۰ به تمامی وزارتخانه‌ها، مؤسسه‌های دولتی، و نهادهای انقلاب اسلامی تکلیف نمود که در واحدهای خود «مدیریت اسناد» را با واگذاری امکانات مناسب و اشخاص آگاه با تجربه در رأس آنها ایجاد نمایند (معاونت اسناد، ۱۳۷۶، بخشنامه ۱۴۸/۰-۳۰۴ م ن مورخ ۱۳۶۳/۸/۲۰). ایجاد مدیریت اسناد، از پیشنهادهای مهم و راهبردی سازمان از سال‌ها پیش بود که با وقوف براهمیت آن، به عنوان یک مجرای ارتباطی آشنا به کار و مستقیم، بهتر می‌توانست مأموریت خود را در ارتباط با دستگاه‌های دولتی پیش ببرد. این مسئله، مورد توجه رئیس سازمان اسناد ملی قرار داشت و همواره پیگیری می‌شد. به طوری که حدود دو سال بعد

در تاریخ ۱۳۶۵/۱۱/۱۱، رئیس سازمان، طی نامه‌ای به تمامی دستگاه‌های دولتی خواست که نتیجه اقدامات انجام شده در زمینه بخشنامه مذکور را به سازمان اعلام کنند (معاونت اسناد، ۱۳۷۶، ص ۹۹).

این اقدامات، که با هماهنگی شورا صورت می‌گرفت، به‌طور قطع در پیشبرد امور سازمان سودمند بود و امور جاری آن را تسهیل می‌کرد. در واقع، شورا با زوی قانون‌گذاری (از نوع تبعات قانون اصلی به‌صورت آیین‌نامه و دستورالعمل) سازمان به‌شمار می‌رفت که با مصوبات خود، مشکلات را از پیش پای آن برمی‌داشت. شواهد و آمار، نشان از روند روبه‌رشد فعالیت‌های سازمان داشت، جلسات به‌طور منظم تشکیل می‌شد و مجوزها و ردیف‌های امحائی به دستگاه‌های دولتی ابلاغ می‌شد.

### دوران شکوفایی شورای اسناد ملی (۱۳۶۷-۱۳۷۲)

در سال ۱۳۶۶، غلامعلی صنعتی، از ریاست سازمان کنار رفت و در بهار ۱۳۶۷ علی جعفر مشکی، معاون فنی و اجرایی سازمان، به‌طور موقت به‌جای او انجام وظیفه نمود. بعد از آن، محمدرضا عباسی، ابتدا به‌عنوان سرپرست و بعد به ریاست سازمان اسناد ملی ایران رسید. در این زمان، جنگ هشت ساله عراق علیه ایران به پایان رسید و بستری آرام برای نوسازی کشور آغاز شد. تمامی امکانات کشور برای تحولی روبه‌جلو به‌کار گرفته شد. سازمان اسناد ملی نیز وارد عرصه جدیدی از تحول و پیشرفت شد. تغییرات همه‌جانبه‌ای از نظر توسعه تشکیلات و فعالیت‌ها صورت گرفت. تأسیس بایگانی راکد که در دو دهه آرزویی دست نیافتنی شده بود، محقق شد. فضایی پنج هزار متری در جنوب تهران که جدا از بخش و ساختمان اصلی سازمان بود، تجهیز و آماده به‌کار شد.

تعداد کارکنان سازمان از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۲ به چهار برابر رسید و تشکیلات نوینی برای انجام وظایف و فعالیت‌های سازمان به‌وجود آمد. نخستین نشریه رسمی به نام گنجینه اسناد منتشر شد. با افزایش فعالیت در همه بخش‌های سازمان، شورای اسناد نیز فعال‌تر عمل کرد. سال‌های ۱۳۷۱-۱۳۷۲ دامنه فعالیت‌های سازمان، در جغرافیای کشور توسعه یافت و چهار شعبه منطقه‌ای (شمال‌غرب، غرب، شرق، و جنوب شرق) افتتاح شد که ده استان کشور را پوشش می‌داد. به این ترتیب، حجم اسناد طبقه‌بندی شده نسبت به زمان تأسیس سازمان تا آن زمان، به بیش از دو برابر رسید (ساکما: ویژه‌نامه ۱۳۷۲ عملکردها ۱۳۷۲-۱۳۶۷).

عامل مهم دیگری که باعث افزایش فعالیت شورای اسناد سازمان و افزایش وسیع حجم ارزشیابی امحا و انتقال اسناد به سازمان شد، بخشنامه معروف ریاست جمهوری در تاریخ ۱۳۶۹/۶/۲۷ بود که کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسه‌ها، و شرکت‌های دولتی را موظف می‌کرد با



همکاری سازمان اسناد ملی، ظرف یکسال تکلیف کلیه اوراق و بایگانی را کد خود را از جهت امحا یا انتقال مشخص سازند. وزیران، مسئول حسن اجرای این بخشنامه شدند و سازمان اسناد ملی موظف شد تا حصول به نتایج مورد نظر گزارش کار را مستقیماً به رئیس جمهور ارائه نماید (معاونت اسناد، ۱۳۷۶، ص ۱۰۸). این بخشنامه، صریح‌ترین و قاطع‌ترین دستوری بود که از بالاترین مقام حکومتی، تا به حال در مورد اسناد ملی صادر شده بود و موجب تحولی عظیم در عرصه امحای اوراق زائد و انتقال اسناد تاریخی از نظر کیفیت و حجم شد. پس از صدور بخشنامه مذکور و فعالیت شورای اسناد ملی در تسهیل آن از نظر صدور مجوزها در سال بعد، حدود ده‌ها میلیون برگ سابقه دولتی شناسایی شد و کار امحا و انتقال آن تسریع شد.

بیشترین رشد سازمان اسناد ملی در این سال‌ها در زمینه امحای اوراق زائد و انتقال اسناد مفید تاریخی به سازمان بود که از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴ سرعت بیشتری گرفت. به طوری که، تعیین تکلیف اوراق بایگانی‌های ادارات دولتی به مرز سه میلیارد و هشتصد میلیون برگ سند رسید. کل اسناد انتقالی به سازمان شامل سیصد میلیون برگ سند بود (البته دوباره پالایش می‌شد)، امحای بیش از دو میلیارد برگ اوراق زائد و آزادسازی بیش از ۱۲۲/۰۰۰ متر مربع از فضای بایگانی‌های راکد دستگاه‌های دولتی، از جمله فعالیت‌های عمده سازمان محسوب می‌شود که هفتاد درصد این فعالیت‌ها مربوط به سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۴ بود. شورای اسناد ملی هم به‌عنوان هسته مهم سازمان در انجام فعالیت‌های روزانه و راهبردی آن نقش بسیار مهمی را بر عهده داشت. این شورا، از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۱، ۱۴۰ جلسه برگزار کرد و ۱۹۴۴ ردیف فهرست اوراق در شورای سازمان مطرح و منجر به اخذ مجوز مربوط و ابلاغ آنها به دستگاه‌های ذی‌ربط شد، ابلاغ ۱۳ دستورالعمل در خصوص چگونگی ارزشیابی و تعیین اسناد راکد دستگاه‌های دولتی، و صدور ۱۷۴۰ مجوز امحا و انتقال از جمله فعالیت‌های آن بود (گنجینه اسناد، ۱۳۷۴، ص ۱۲).

## نتیجه‌گیری

با نگرشی کلی بر عملکرد «شورای سازمان اسناد ملی» بر مبنای حوادث و رویدادهای حاکم بر کشور و سازمان اسناد ملی و با توجه به مشکلات و موانع موجود سازمان در برهه‌های مختلف، طبق اسناد مورد بررسی قرار گرفته و آمارهای یادشده، این شورا در جایگاه قانونی و روند کلی سیر حیات خود در سازمان، موفق عمل کرده است. عملکرد شورای اسناد ملی، در واقع یکی از ملاک‌های پیشرفت سازمان در تحقق اهداف آن به‌شمار می‌آید که در نهایت موجب حل مشکلات عمده دستگاه‌های دولتی شد (که چندین دهه با آنها دست‌گیران





بودند). از طرفی، با تسهیل انتقال اسناد و مدارک ارزشمند تاریخی به ایجاد آرشیو و تأمین نیاز تاریخ‌نگاران و پژوهشگران یاری رساند. هر چند باید خاطر نشان کرد که وقفه‌های طولانی در معرفی اعضای متبحر در فرهنگ و تاریخ ایران و دیگر مقامات عضو، باعث کندی کار شورا می‌شد. انتخاب اعضای مورد نیاز شورا در قانون سازمان، با توجه به موقعیت حقوقی و اداری آنها نکته دیگری بود که به شورا در تصمیم‌گیری‌ها کمک می‌کرد و باعث تسهیل کار و قوت تصمیم‌گیری‌ها می‌شد. از طرف دیگر، وابستگی اداری سازمان به شورای عالی اداری، در ابتدا؛ و پس از آن به سازمان اداری و امور استخدامی کشور، باعث کمک به سازمان در انجام مأموریت‌های ملی خود به‌ویژه در بخش شورای اسناد و ارزشیابی شد.

### منبع

- افشار، ایرج (۱۳۸۶، پائیز). لایحه قانونی بایگانی کل کشور. *گنجینه اسناد*، ۶۷.
- روزنامه اطلاعات* (۱۳۴۹/۱۱/۱۴)، (۱۳۵۰/۲/۲۹).
- روزنامه کیهان* (۱۳۵۰/۲/۲۸)، (۱۳۵۱/۲/۲۴)، (۱۳۵۱/۴/۲۸)، (۱۳۶۱/۴/۲)، (۱۳۶۱/۴/۱۵)، (۱۳۶۲/۷/۹).
- سازمان اسناد ملی ایران (۱۳۷۲)، ویژه نامه عملکرد ۱۳۷۲-۱۳۶۷.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): پرونده مراحل تأسیس آرشیو ملی ایران (اسناد مختلف).
- ساکما: ۲۴۰۰۲۷۶۲۶، ۲۹۷۰۳۶۶۳، ۲۹۰۰۰۷۸۳۲، ۲۹۰۰۰۲۶۶۰، ۳۵۰۰۰۴۶۴۲، ۲۹۷۰۰۴۶۴۲، ۲۹۰۰۰۲۹۱۴، ۲۹۰۰۰۲۹۱۴.
- سازمان اسناد ملی ایران (۱۳۷۲)، ویژه نامه عملکرد سازمان اسناد ملی ایران (۱۳۶۷-۱۳۷۲).
- فیروز، فیروزه (۱۳۸۶، بهار). معرفی اعضای شورای اسناد ملی. *گنجینه اسناد*، ۶۵.
- معاونت اسناد (۱۳۷۶). قانون و مقررات و بخشنامه‌های سازمان اسناد ملی ایران.

